

## سلوک عارفان

یکی از کتابهای ارزشمندی که در این اواخر نشر یافته، کتاب: «سلوک عارفان» است، ترجمه‌ای به پارسی از متن عربی: «المراقبات فی اعمال السنه»، تألیف عارف کامل و عالم عامل، جاوید یاد روان‌شاد حاج میرزا جواد ملکی تبریزی تفسیده ... بغفرانه. گزارنده سید محمد راستگو است که در ترجمت این تألیف متیف - همان‌گونه که شیوه دیرینه اوست - به موازات رعایت کمال دقت، الحق امانت و صداقتی زایدالوصف به خرج داده است. «سلوک عارفان» در ۴۹۶ صفحه به قطع وزیری، از مسیر «نشر سایه» به بازار کتاب راه یافته است. طبع کتاب از لحاظ فن چاپ به صورتی مطلوب و مطبوع تمشیت یافته، و تا حدود زیاد از سهوهای مطبعی عاری است.

متن مترجم با فهرست مندرجات - نموداری از ۲۱۵ عنوان گوناگون از مطالب کتاب - آغاز می‌شود، سپس پیش‌گفتاری از مترجم در باره هنریت این اثر، زندگی‌نامه کوتاهی از مؤلف، متضمن ذکر احوال و آثارش، شمتی از فضایل و کمالات اخلاقی، و میزان زهدت و تقوی و تهجد وی، معرفی استادان و شاگردانش، آثار تألیفی او، سفرهایش در طلب علم، و نیز درجه قبول و محبوبیت وی در جامعه، تا بدان جا که در ماده تاریخ وفات او (۱۳۴۳ هجری قمری) متفق‌القول گفتند: «رُفِع العلم و ذهب الحلم» (= از جهان جان رفت و از ملت پناه) ... و پس آنگاه ترجمه متن در ۱۴ فصل مصدر به مقدمه‌ای فراگیر از نویسنده شروع می‌شود، و کتاب با بخشی کوتاه، ذیل عنوان «پایانه» پایان می‌پذیرد.

اینک بینیم موضوع این کتاب خود چیست، و انگیزه اساسی از نگارش آن چه بوده است: «موضوع کتاب همان گونه که از نامش: «المراقبات فی اعمال السنه» برمی آید، احوال و اعمالی است که بندگان صالح، و مؤمنان مخلص در طول سال آنها را پاس می دارند، و به جا می آورند، و با دقت و مراقبتی که در مواظبت آن احوال و انجام آن اعمال به کار می برند، نفس خویش را هرچه پیراسته تر، و جان خویش را هرچه آراسته تر می سازند. در منازل و مراحل سلوک الی... هرچه بیشتر پیش می روند، و به پایگاه والای قرب و وصال خدا نزدیکتر می شوند.

از اینان که راهیان راه کمال، و سالکان صراط وصالند، در جای جای کتاب با نام «سالک مراقب» یاد شده است. سالک مراقب یعنی آن که هم و همت خویش را در سلوک صراط سعادت به کار می گیرد، و برای این که این راه را به درستی در نوردد، و این طریق را به طهارت طی کند، از هیچ کوششی و مراقبتی دریغ نمی کند، شب و روز کشیک نفس می کشد، مبادا نافرمانی پیشه کند، و به کژروی، و بی راهی افتد، روز و شب پاسبان حرم دل می شود، مبادا خواسته های ناروا، و اندیشه های نابه جا در آن راه یابد، و حریم حیب به غبار اعیار آلوده گردد.

در این باره از دیرباز از سوی عارفان وارسته، و عالمان فرزانه کتاب هایی نوشته شده، و دفترهایی پرداخته گشته که هر کدام به جای خود راه گشا، و خواندنی، و کاربستی است. در این میان کتاب شریف: «المراقبات فی اعمال السنه» جایگاهی ویژه و سرآمد دارد... مؤلف بزرگوار که خود پرورش یافته همین بزرگواران است، سالهای سال راهی این راه، و سالک این صراط بوده است: در مکتب حقایق پیش ادیب عشق، زانو زده، از محضر راهبران راه دان این راه، نکته ها آموخته و توشه ها آندوخته، شیوه های گوناگون سلوک را آزموده، چم و خم ها، و فراز و نشیب های آن را به خوبی شناخته، آنگاه حاصل این همه آموخته و آزموده را به صورت این کتاب، به سالکان صراط عرفان، و راهیان راه ایمان پیش کش کرده است... (۱-۳)

### عنوان بعضی از مطالب متن:

اخلاص عمل ص ۳۹ مصحف حضرت فاطمه ۶۷ نکته هایی در باره روزه ۸۷ تمام ۹۰ اعطار چرب و نرم ۹۱ نماز سلمان ۱۰۰ اقسام روزه داران از نظر قصد و نیت ۱۵۵ دریافت معانی قرآن ۱۷۴ آداب وعظ و واعظی ۲۳۲ دیدار شب قدر ۲۲۵۴ تفکر و به خوداندیشیدن ۲۴۲ تفسیر دارالغرور بودن دنیا ۲۵۴ فضایل محمد (ص) و آل در دیگر کتابهای آسمانی ۴۰۸ محاسبه نفس ۲۶۳ نکته ای در باره شعور و آگاهی جمادات ۲۶۵ توضیح گونه ای در باره حج ۳۱۹ داستان غدیر ۴۱۲ مباحله ۴۳۵ نکته ای در باره ادب دعا ۲۴۸ موانع فهم قرآن ۱۷۹ دعا چیست و چگونه باید باشد ۱۸۲ لیلۃ الرغائب ۸۴ آثار و خواص روزه و گرسنگی ۱۴۸ چگونه در قرآن تدبیر و اندیشه کلیم ۱۷۵ عید چیست، و چه روزی است؟ ۲۷۳ (دحو الارض) ۳۱۴ و...



○ دکتر علی فاضل

# سلوک عارفان

ترجمه:

المراقبات فی أعمال الله

تألیف:

دکتر آواز نادرمان

مرحوم شیخ سیدزجاجه کی تبریزی

ترجمه:

سید محمد درویشگو

## شیوه کار مترجم:

مترجم - همان گونه که خود گوید (ص ۳) - از این متن ترجمه‌ای تقریباً مشروح در پیش روی خواننده می‌نهد، چرا که قصد دارد مطالب کتاب هرچه آشکارتر، و برای خواننده پارسی زبان امروزی مفهوم‌تر و روشن‌تر باشد؛ از این روی با بهره‌گیری از شیوه بلاغی «اطناب»، عبارات عربی مؤلف را که در هیأت کیفی خود جای‌جای مجمل و موجز می‌نموده، به مدد واژه‌ها و تعبیرات بیشتری به پارسی روز برگردانده، و در ضمن، نکته‌ها، لطیفه‌ها، قطعه‌ها و مفرداتی نیز با رعایت تناسب تام، و دقت و مواظبت تمام در حفظ امانت، بر ترجمه خود از متن افزوده است، و این افزودگی در جامعیت و نفاست متن مقام ویژه‌ای را داراست.

گفتمنی است که مترجم دوشادوش خواننده در مسیر ترجمه گام برمی‌دارد، و با ارجاع و احاله به یادداشت‌هایی در پانوشت صفحه‌ها، او را در جریان هرگونه تحوّل در روش کار خویش قرار می‌دهد؛ فی‌المثل:

عبارت‌های میان کروشه را افزودیم، تا عبارت‌های پیش و پس آن که در متن گسسته می‌نمودند، به یکدیگر پیوندیم. گسستگی متن شاید به دلیل از قلم افتادن عبارات، یا شعرهایی به هنگام استنساخ یا چاپ بوده باشد. (ص ۲۳). همه شعرهای فارسی این بخش افزوده‌است که آنها را به جای چند بیت عربی متن آورده‌ایم (۲۸۹ - ۳۰۰). خطبه غدیر خطبه‌ای پس مشروح و مفضل است که چهار ساعت به طول انجامید، مرحوم مؤلف فشرده‌ای از آن را آورده، و ما بخش‌های

بیشتری از آن را ترجمه کرده‌ایم؛ مأخذ ترجمه ما آمیخته‌ای است از روایت مؤلف، و روایت طبرسی در «احتجاج» (ج ۱، ص ۶۷)، که گاه اندکی اختلافی نیز با هم دارند ۴۲۲ در این جا مؤلف به احکام فقهی فطر روزه اشارتی کرده است که به قصد اختصار، و هم از این روی که در رساله‌های عملیه هست از ترجمه آن چشم پوشیدیم. ۲۸ این دو دسته روایات به ظاهر ناسازگار را می‌توان به چند شیوه سازش داد... ۳۶۶ آن که می‌خواهد ترجمه روان و شیوای همه این خطبه را بخواند، بنگرد به «حماسه غدیر» محمدرضا حکیمی، ص ۶۷؛ ما نیز در ترجمه‌ای که آورده‌ایم بدان ترجمه نظر داشته‌ایم ۴۲۶ افزودن منابع اضافی وسیله مترجم، بر مراجع مورد استفاده مؤلف برای مزید آگاهی خواننده ۴۱۱ اشارتی لطیف و خواندنی، و یادآوری گونه‌ای از سوی مترجم نسبت به توجیه مؤلف ۳۹۳.

**دیگر:** نام و شهرت مراجع مورد استشهاد، نام سوره‌ها و شماره آیات بینات، و مأخذ احادیث و روایات مستند مؤلف همگی در پانوشت صفحه‌ها برای مزید آگاهی خواننده به دست داده شده است.

**دیگر:** آیات شریف قرآنی، اخبار و روایات مورداستناد مؤلف، و اقوال و امثال و اشعار عربی مذکور در متن، محض سهولت دریافت خواننده، غالباً به پارسی ساده و روان امروزی ترجمه شده است.

برای مثال:

«أخذ الى الارض و أتبع هواه فمثلته كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا...» (الاعراف: ۱۷۶) = آن تباه روزگار جاودانه به خاک خو گرفت و راهی هوی شد، پس داستان او چون داستان سگی است که اگر سنگش زنی زبان برمی‌آورد و پارس می‌کند، اگر رهایش کنی نیز زبان برمی‌آورد و پارس می‌کند، و این گونه است داستان آنان که آیات ما را دروغ شمردند. (ص ۲۴).

«ادعونی استجب لکم» = مرا بخوانید تا پاسختان دهم (ص ۱۲۵).

«من رجا شیئاً طلبه» = هر کس به چیزی امید بندد به جستجوی آن برمی‌خیزد (ص ۱۰۵).

و باز ترجمه سخنی از حضرت سجاد امام زین‌العابدین<sup>۴</sup> در دعای ابو حمزه ثمالی (ص ۳۴۳). و نیز ترجمه این ابیات از «صفی‌الدین حلّی» در ذکر شمتی از شمایل و مناقب مولای متقیان،

امیر مؤمنان ۴:

«جمعت فنی صفتاک الاضداد	فلهذا عورت لك الاثداد
زاهد حاکم حلیم شجاع	فاتک نسیاسک فقیر جواد
شیم ما جمعت فنی بشرقاً	ولاحیاز مثلهن العسباد
خلق یسخرجل النسیم من اللطف	و یأس یسذوب منه الجماد» =

اضداد و ناسازهای پراکنده در تو سازواری و پیوند یافته‌اند.

از این روی از همگان ممتاز و بی‌انبار ماندند ای

پارسا، امیر، بردبار، و نستوه

ستیه‌ناده، عبادت پیشه، نهی کیسه، و بخشنده

خُلق و خوی‌هایی که هرگز در بشری گیرد هم نیامده‌اند

و هیچ انسانی نتوانست آنها همه را در خویش در هم ببیند

مهری که از لطف و نرمی، نسیم را خجل می‌سازد

و قهری که از شدت و سختی صخره را آب می‌کند

هم چنین ترجمه شعری از «مجنون» به پارسی در (ص ۳۴۰).

و نمونه‌هایی دیگر در صفحات: ۱۲، ۱۸، ۳۶، ۴۲، ۶۴، ۶۵، ۹۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۲،  
۱۴۶، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۴،  
۲۶۴، ۲۶۸، ۲۸۱، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۵۴، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳،  
۴۴۵، ۴۲۹.

استاد‌های به جا و ظریف شعری:

مترجم گرامی و پرحوصله، بناجستار و تصفحی دامنه‌دار در دواوین شاعران از متقدم و معاصر، با دقت و مهارت، شواهدی سخنه و جان دار، متناسب و سازوار با مطالب متن جسته و آنها را به مثبت مهر تصدیق و تاییدی برگفتار و آرام مؤلف، جای جای در ترجمت خویش به کار گرفته است؛ من جمله از: پیر هرات، خواجه عبدا... انصاری ۴۹۵، ۴۹۶ نظامی گنجوی ۴۹۳، ناصر خسرو قبادیانی بلخی ۴۴۱، ۳۳۲، سعدی ۱۴۱، ۲۰۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۴۶۰، ۴۹۲، ۴۹۳، حافظ شیرازی، لسان‌الغیب ۳۹، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰ جلال‌الدین محمد مولوی ۹۵، ۲۶۶، ۳۵۰، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲، بابا طاهر غریبان همدانی، متخلص به طاهر ۲۹۵، مجنون قیس ملوح عامری ۳۵۱ استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (م - سرشک) ۲۹۸، خسرو احتشامی ۲۹۸ براتی‌پور ۲۹۴ هوشنگ ابتهاج (ه - الف - سایه) ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴ مزارعی شیرازی ۲۹۲ و قطعه‌ای از سروده‌های مترجم در صفحه ۲۹۰...

و اینک نمونه‌هایی در این باب:

«در باره حضرت شعیب گزارش شده که وقتی خداوند از او پرسید که چرا می‌گریزی؟ گفت: گریه من از ترس دوزخ یا طمع بهشت نیست، بلکه برای شوق لقا و دیدار تو است.»

مترجم در این مقام به تلمیحی از مولانای روم بدین روایت، اشارتی این گونه دارد:

بانگ شعیب و ناله‌اش وان اشک همچون زاله‌اش	چون شد زحد از آسمان آمد سحرگامش ندا:
گر مجرمی بخشیدمت، وزجرم آمرزیدمت	فردوس خواهی؟ دامت، خامش رهاکن این دعا
گفتا: نه این خواهم نه آن، دیدار حق خواهم عیان	گر هفت سحر آتش شود، من در روم بهر لقا

در فصل دهم، ذیل عنوان: «مراقبات شب و روز عید فطر» چنین می‌خوانیم: «... سالک مراقبی که برای نماز عید بیرون می‌رود، بر اوست که بر غیبت امام حضرت حجة ابن الحسن العسکری (عج)، و انجام نماز عید بی حضور ظاهری آن بزرگ افسوس و اندوه خورد، و از این که کار بدان جا کشیده که نماز عید به جای امامت بزرگواری چون او، به امامت کسانی چون ما برگذار می‌شود، درد و دریغ خورد... آنگاه با بلندترین، پرشورترین، و مشتاقانه‌ترین فریاد او را فرا خواند، و بگوید: ای پسر پیامبر! از کدامین راه می‌توان به دیدار تو دست یافت، آیا راهی برای دیدار تو هست؟ آیا می‌شود که امروزی را به فردا رسانیم، فردایی که با دیدار تو غم از دل بزدایم؟ کی خواهد رسید روزی که از آبخور گوارای دیدار تو سراب شویم؟ که روزگار تشنگیمان سخت دور و دراز شده... مولای من! سیاهی ستم همه جا دامن گسترده، و شب شقاوت همه را فروپوشیده، زهر زور کاممان را تلخ کرده، نفاق و نیرنگی نغمان را فروگسته، تازیانه تزویر توانمان را فرو شکسته، رواج ریا رنگ و رمقی بر ایمان ننهاد، دیگر انتظار بس است...» در این جا مترجم ابیاتی فراخور مقام و حالی این مقال از استاد مفضال دکتر شفیع کدکنی (م - سرشک) را چونان جاشنی مطبوع و دلپذیری این سان زیب و پشتوانه ترجمت خویش می‌سازد:

نقّس گرفت ازین شب در این حصار بشکن	در این حصار جادویی روزگار بشکن
تو که ترجمان صبحی به ترنم و ترانه	لب زخم دیده بگشا، صف انتظار بشکن
«سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی»	تو خود آفتاب ما باش و طلسم انتظار بشکن
شب غارت تستاران همه سوفگنده سایه	تو به آذرخشی این سایه دیوسار بشکن

(ص ۲۸۸ - ۲۹۸)

و باز قطعه‌ای از: هوشنگ ابتهاج (ا. ه. سایه) را سزاوار این مقام چنین آورده است:

نه لب گشایدم از گل نه دل کشد به نیید	چه بی نشاط بهاری که بی‌رخ تو رسید!
نشان داغ دل ماست لاله‌ای که شکفت	به سوگواری زلف تو این بنفشه دمید
بیا که خاکِ رخت لاله زار خواهد شد	ز بس که خون دل از چشم انتظار چکید

(ص ۲۹۲ - ۲۹۳)

نیز برای آگاهی بر نمونه‌های بیشتری در این خصوص مراجعه فرمایند به صفحات: ۱۴۱، ۲۰۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۶۶، و ۲۸۹ تا ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۵۱، ۴۱۸، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱ تا ۴۹۵.

نمونه‌هایی از افادات و توضیحات سودمند مترجم پیرامون مطالب متن:

در باره بعضی از روایات مورد استناد مؤلف در این متن که ممکن است با باور خواننده‌ای

ناآشنا، و احياناً نامعتقد با این گونه معانی و مفاهیم فخیم دینی سازوار نیاید، مترجم ناگزیر از آوردن توضیحی بوده است، توضیحی فراخور احسن و آفرین:

«... شاید پذیرش این گونه روایات بر کسانی گران آید، و چه بسا کسانی آنها را نامعقول و خرافه‌آمیز پندارند؛ اما باید دانست که قوانین کار و ساز جهان آخرت را که از گونه‌ای دیگر است نباید با این جهان برسنجید تا حکم به خرافه‌آمیزی، و نامعقول بودن این گونه روایات را که بیشتر با زبانی رمزی، و تمثیلی سخن می‌گوید پیامد داشته باشد. این گونه روایات از حقایقی برتر که عقل عقیده‌دنیایی را بدانها دسترس نیست سخن می‌گویند، از این روی انکار آنها نیز با چنین عقلی، انکار دیدنی‌ها از راه گوش خواهد بود» (۸۷).

### دیگر:

«... و چه خوب است اگر در بعضی از شب‌ها که بر خویش زاری می‌کنی، مناجات آمیخته به نظم و نثری را که «زهری» از امام سجّاد (ع) گزارش کرده است بخوانی؛ مناجاتی را که آن بزرگوار بدان بر خویش و احوال خویش نوحه می‌سروده، و ناله سر می‌داده» (۲۶) مترجم در پانوشته بهری از گزارش «زهری» را برای آگاهی خواننده نقل نموده، و برای اطلاع بر تفصیل بیشتر به کتاب ارجمند: «زندگی علی بن الحسین از استاد دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۱۳۹ ارجاع داده است.

### دیگر:

«... آری! همه نعمت‌های بی‌کران و بی‌شماری که بخداوند بر پیامبران، امامان، گزیدگان، عارفان و پاکان، و... مژده و وعده داده، همه ره‌آورد‌ها و بهره‌هایی از همین سفر انسان است: سفر از خاک به افلاک، و از عالم ماده به عالم مثال و معنی. و زمین یعنی زندگی زمینی و مادی، یکی از منزلگاه‌های همین سفر است و بلکه از دیدی دیگر، زمین و زندگی زمینی ما سرچشمه و خاستگاه نعمت‌ها و بهره‌های آن جهانی است، و از این جاست که در روایات «مزرعة آخرت» شمرده شده است...» (۳۱۶ - ۳۱۷). و اینک توضیح مترجم در این باب:

در توضیح این اشارت مؤلف بزرگوار (در باره آیه شتاره ۲۵، از سوره البقرة) می‌توان گفت: بر پایه قانون «تجسم اعمال» پاداش‌ها، و کیفرهای آخرت چیزی نیستند جز همان اعمال و رفتارهای نیک و بد دنیایی ما که اینک تجسم پذیرفته‌اند، و در شکل: میوه‌ها، نهرها، قصرها و... یا آتش‌ها، مارها و... به ما برگردانده شده‌اند؛ به دیگر سخن میوه‌ها و قصرهای بهشتی نه پاداش کارهای نیک که خود همانند در شکلی دیگر، و آرایشی دیگر، و مارها و آتش‌های دوزخ نیز نه کیفر کارهای ناروا، که خود آنها را در صورتی دیگر و لباسی دیگر.

بر این پایه آنکه که بهشتیان میوه‌ها یا دیگر نعمت‌های بهشتی را که تجسم و تشکل همان کارهای نیک خود آنان است می‌بینند، آنها را می‌شناسند، و به یاد می‌آورند، و می‌گویند: این‌ها همانهاست که پیش از این ما داشته‌ایم، و اینک همانند آنها را در شکلی دیگر به ما برگردانیده‌اند.

آنچه فخر رازی به عنوان سومین تفسیر آیه از زبان اهل معرفت آورده، (تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۱۳۰)، و نیز آنچه نورالدین عراقی در تفسیر خود به نام: القرآن و العقل (ج ۱، ص ۱۹) آورده، می‌توانند به گونه‌ای دیگر راه‌گشایی باشند بر آنچه مؤلف به اشارت گفته و گذشته است. (ص ۳۱۷).

دیگر:

برای مزید آگاهی نسبت به روایت‌های گوناگون در باره حدیث غدیر، و نص سخن پیغامبر در باره ولایت حضرت علی بن ابی طالب (ع)، و تفصیل آنها باید مراجعه کرد به کتاب «عقبات الانوار» نوشته: سیدالعلماء الاعلام میرحامد حسین؛ نیز به کتاب گرانسنگ و بی نظیر: «الغدیر» نوشته: علامه امینی، و در باره ارزش و عظمت این دو کتاب، و شخصیت شگرف نویسندگان آنها باید مراجعه کرد به دو کتاب خواندنی و ارجمند: «حماسه غدیر»، و «میرحامد حسین»، هر دو از نویسنده عالم درشناس تیزبین موی شکاف: محمدرضا حکیمی، نیز به کتاب: «یادنامه علامه امینی» فراهم آورده هم او (ص ۴۱۱).

و هم چنین توضیحاتی در این موارد:

خبر متواتر ۴۱۱ صاع ۴۵۶ «حبط اعمال» و «تکفیر» ۴۶۱ کوه رحمة ۳۲۶ هرولة ۳۳۳ چهار یا پنج تکبیر زدن بر چیزی ۳۳۸ «اصحاب یمین»، «اصحاب شمال» و «سابقون» ۳۳۸ حرفه و عرفات ۳۴۶، «ایام معلومات»، و «ایام معدودات» ۳۶۷ عشار ۳۸۵ نجران ۴۳۶ تشریق ۴۱۴ مراد از لفظ «جنب» در «جنب...» ۴۱۸، خطبه غدیر ۴۲۲ خطبه بیان ۴۲۹ و... وجه تسمیه شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به: «شب جهنی» ۴۳۹، نیز در این صفحات:

۲۱۵، ۲۰۹، ۱۹۴، ۱۸۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۵۷، ۱۴۳، ۱۴۰، ۸۷، ۸۴، ۷۸، ۷۴، ۵۴، ۵۳، ۴۷، ۴۶، ۳۰، ۲۸۰، ۲۵۰، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۴، ۴۰۸، ۴۰۶، ۴۰۳، ۳۹۳، ۳۷۰، ۳۶۶، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۲۳، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۰، ۲۸۰، ۲۵۰، ۴۲۶، ۴۲۳، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۵۸، ۴۶۵، ۴۸۹، ۴۹۰

\*\*\*

در پایان این مقال بهری از مطالب این کتاب به اجمال برای آگاهی آن گروه از خوانندگان گرامی که دسترسی به آن نمی‌یابند، و یا وقت و حوصله کافی برای مطالعه تمامی متن ندارند نمونه‌وار آورده می‌شود:

آیین مناجات با پروردگار:

«بر سالک مراقب است که بیش از «چه اندازه عبادت کردن»، به «چگونه عبادت کردن» دل سپارد، و بیش از فرونی «کمیت» به «حسن کیفیت» آن همت بندد؛ در دعا و مناجات زبان و بیانی، و الفاظ و عباراتی برگزیده که خواری و خاکساری، و نیاز و زاری او را هرچه بیشتر بنمایاند... مناجات کننده بداند که چه می‌گوید، یا که می‌گوید، و چه می‌خواهد، و از که می‌خواهد؟ زیرا آن که نمی‌داند



چه می خواهد، و از که می خواهد، و تنها از سر ظاهر الفاظ و عباراتی را لقلقهٔ زبان می سازد در واقع چیزی از کسی نخواسته است، و چنین کسی را نمی توان خواننده، و دعا کننده، و مناجاتی نامید... از ما نخواسته که تنها الفاظ و عباراتی را بر زبان آوریم، خواسته: مرا بخوانید تا پاسختان دهم... و نگفته فلان الفاظ را بر زبان آورید، و فلان عبارت را نشخوار کنید... (۸۲، ۱۲۵).

«و لعمری ان الاغلب لا يعرفون شأن نعمة المناجات، و ان من شأنها علوم غریزة، و معارف جلیلة، لا یطلع علیها و علی حدودها، الا اهلها من اولیاء... الذین نالوا بها عن طریق الكشف و الشهود، و ان الوصول بحقائق هذه المقامات عن وجه المکاشفة انما هو من أجل نعم الاخرة، و لا یقاس بشیء، من نعم الدنیا» (عین عبارت متن، برگرفته از چاپ ۱۳۸۱).

(۷۶)

«و به جان خودم سوگند که بیشتر مردم شأن و شکوه مناجات و ارج و ارز آن را نمی شناسد و نمی دانند که مناجاتها از چه مایه معارف بلند و ارجمندی سرشارند - معارف شکوهمندی که جز آنان که از راه مکاشفه و با شیوهٔ شهود بدانها دست یافته اند، کس دیگری آنها را واحد و حدود آنها را و شأن و شکوه آنها را نمی شناسد - و نمی دانند که دستیابی به این مقامات و معارف از راه مکاشفه و شهود، از ارجمندترین و گرمی ترین نعمتهای اخروی است و ارز و ارجی آن چنان بالا و والا دارد که هیچ یک از نعمتهای دنیایی را نمی توان با آن سنجید و برابر نهاد.» (صورت پارسی عبارت از مترجم).

(ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

نکته ای شیوا و گیرا در ادب دعا: انا... و انا الیه راجعون.

«البته نباید از یاد برد که این دعاها را باید با هوشیاری، بیداری و آگاهی، و زنده دلی خواند، و خوشا و هزار خوشا به حال آن که خواندن زنده دلانهٔ این دعاها در جان و روح او اثر گذارد، و آنچه بر زبان او می گذرد، در دل و جان او نیز راه یابد، که اگر برای این دعاها هیچ ثواب و پاداشی نباشد جز همین اثرپذیری قلبی و روحی، می سزد که تمام توش و توان، و جمیع جهد و جهاد خویش را برای دست یابی به آن از جان و دل به کار گیریم، تا چه رسد به این که هر واژه و هر حرف آنها را ثواب ها، و پاداش ها، و نورا نیت ها است... و آن که خواندن این دعاها بر جان و دلش اثر نمی گذارد، دست کم با هوشیاری آنها را بخواند، در معانی آنها تأمل کند، و بکوشد تا بفهمد که چه می خواند، و چه می گوید، و چه می خواهد؛ نه این که از روی غفلت زدگی، و با لقلقهٔ زبان چونان جادوگرانی که آجی و متجی می کنند، و الفاظ بی معنی را نشخوار می نمایند، تنها از سر زبان چیزهایی بخواند، بی آنکه بدانند چه می خوانند، و چه می گوید، و چه می خواهد!

و آن کس که نه خواندن این دعاها بر روح و جاننش اثر می گذارد، و نه در خواندن آنها تأمل و هشیاری دارد، و نه در فهم معانی آنها کوششی می کند، چه بهتر که به جای خواندن این دعاها بر حال بد خویش گریه کند، و بر این مصیبت سنگین: مصیبت بی توفیقی در دعا، فهم دعا، اثرپذیری از دعا

اشک بریزد، و عبارت «بنا... و انا الیه راجعون» را که به هنگام مصیبت و دعا خوانده می‌شود، بازها تکرار کند، و بگوید: پناه بر خدا از این مصیبت که مصیبتی سخت سنگین است، و کیفری کمر شکن از بی دارد... (۲۴۸ - ۲۴۹).

\*\*\*

### میعادگاه عاشقان - سکوی پرواز:

«خداوند از یک سو آدمی را از خاک - خوارترین پدیده هستی - آفریده است، و او را در زمین - زیرترین زاویه هستی - جای داده است، و از دیگر سو او را به همسایگی خویش، و هم خانگی با فرشتگان، پاکان، گزیدگان - بالاترین پایه هستی - فراخوانده است. اما از آنجا که انسان به دلیل طینت و طبیعتِ خاکی اسیر خاک، و به دلیل زندگی زمینی زندانی زمین است، و همین‌ها سبب می‌شود تا به خاک خو گیرد، و به زندان زمین دل بندد، و از رفتن به خانه افلاکی خویش که خدا او را بدانجا فرا خوانده بلز ماند، خداوند از روی مهر و کرم راهی دیگر پیش پای او نهاده است، و در همین خانه خاکی زمین، جایی را برگزیده، آن را خانه خویش نامیده، و میعادگاه دوستان خویش ساخته است، تا مریدان و مشتاقان او، عاشقان و شیفتگان او، دوستان و دلستان او، بدانجا روند، گرد خانه او بچرخند، و با او راز و نیاز کنند، سر بر در و دهبوار خانه او بگذارند، با او راز دل گویند، با او در خانه او انس گیرند، و در خور حال و حوصله‌ای که دارند شور و شوق گیرند، و برای رفتن به خانه قریبی که خداوند بدانجا فراشان خوانده آماده گردند.

۳۶۶

نیز خداوند برای زیارت خانه خویش آداب و مناسکی نهاده، و هر یک از آنها را نردبان صعود و سکوی پروازی ساخته، تا دوستان و شیفتگان او از این نردبان‌ها به بام ملکوت برسند، و از این سکوها به آستان لاهوت پرکشند؛ و با به جای آوردن این آداب و مناسک، از کعبه گل به کعبه دل راه یابند، پس آداب و مناسک کعبه خاک، همه سکوی صعود به کعبه افلاکند...» (۳۲۱ - ۳۲۲).

\*\*\*

فی الجمله کتاب مستطاب «سلوک عارفان» کتابی است به راستی ارزشمند و خواندنی، قوی بنیاد و بیخ‌آورد در طهارت و تصفیة باطن آدمی، و تهذیب و ترویض نفس سرکش هوی طلب، و شیوه‌های عملی جهاد ورزیدن با آن، به خصوص مطالعه دقیق بخش‌هایی از این کتاب، ذیل عنوان‌های: «نکنه»، «پرسش و پاسخ»، «یادآوری» و «اشکال» به خواننده گرامی به‌ویژه جوانان توصیه می‌شود.

### یک پیشنهاد

به لحاظ نفاست و جامعیت مطالب متن کتاب: «المراقبات فی اعمال السنه»، و هم‌شیوایی و گیرایی ترجمه آن به پارسی روان و ساده زیر عنوان: «سلوک عارفان»، و علاقه‌مندان، و خواستاران

فراوانی که از این رهگذر خواهد یافت، بدیهی است که چاپ‌های متعددی از آن مطمئناً به عمل خواهد آمد؛ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که هرگاه این چند فهرست پیشنهادی در چاپ بعدی به آن افزوده شود، دور از مناسبت نمی‌نماید:

۱- مشخصات منابع و مأخذ مورد استناد و مراجعه مؤلف و مترجم - اگر چند نام بعضی از آنها و نه همه - در چند جای به دست داده شده است.

۲- فهرست جامعی از آیات شریف قرآنی.

۳- فهرست اخبار و روایات.

۴- فهرست دعاها و جمله‌های دعائی.

۵- فهرست شعرها و مصراع‌های عربی (و در صورت امکان با ذکر قائل آنها).

۶- فهرست شعرها و مصراع‌های فارسی.

۷- فهرست لغات، ترکیبات، و مصطلحات مرتبط با معارف الهی و دین مبین اسلام.

۸- فهرست نام کسان که در متن به مناسبت‌های گوناگون از ایشان یاد شده، و یا در ترجمه مترجم آمده است.

۹- فهرست اعلام جغرافیایی، نام جای‌ها.

۱۰- و فهرستی الفبایی از لغات و اصطلاحات عربی متن همراه با صورت پارسی آنها که

مترجم دقیق و نکته‌یاب با صرف وقت و حوصله، معادل‌های سنجیده و جا افتاده‌ای در زبان پارسی برای آنها ارائه داده است. مطالعه این بخش به خصوص برای طلب محترم علوم دینی، و دانشجویان رشته‌های الهیات و معارف اسلامی، و ادبیات و علوم انسانی، و به هر تقدیر برای کسانی که دست‌اندرکار ترجمه از متون عربی به زبان پارسی می‌باشند بی‌شک سودمند خواهد بود.

ادامه توفیق مترجم گرانمایه را در به ثمر رسانیدن چنین آثار ارزجمنندی صمیمانه خواستار است؛ و من الله التوفیق و علیه التکلان.

رتال جامع علوم انسانی